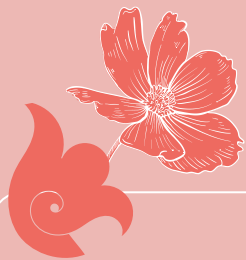


سخن سردبیر

زهرا باقری

کد ۴۰۲ مدیریت آموزشی



تربیت در آینه زن

زن، تنها نقش آفرین عرصه خانواده نیست؛ بلکه ستون بی‌صدای تمدن‌سازی است. اگر قرار است جامعه‌ای رشد یابد، نخست باید نگاهش به زن و تربیت دگرگون شود. از همین‌رو، تربیت دختران و ورود آگاهانه و هدفمند زنان به عرصه‌های مدیریتی، تنها یک تصمیم فرهنگی یا آموزشی نیست؛ بلکه یک ضرورت راهبردی است.

شماره دوم نشریه تربی، در پی آن است که این نگاه را از سطح شعار و کلی‌گویی، به عرصه‌ی اندیشه، تجربه و مسئله‌مندی برساند. در این شماره، صدای زنان دغدغه‌مند، معلمان و مدیرانی شنیده می‌شود که در دل میدان، بار سنگین تربیت را بر دوش می‌کشند و با چالش‌های واقعی در مدرسه و جامعه مواجه‌اند. خواننده با روایت زنی آشنا می‌شود که در کسوت مدیر، مدرسه را نه صرفاً اداره، بلکه هدایت کند. از سوی دیگر، نگاه‌های تحلیلی و انتقادی به بحران هویت دختران، ما را به تأمل وادار می‌کند که چگونه در غیبت الگوهای بومی، دختر امروز در گرداب سردرگمی فرو می‌رود.

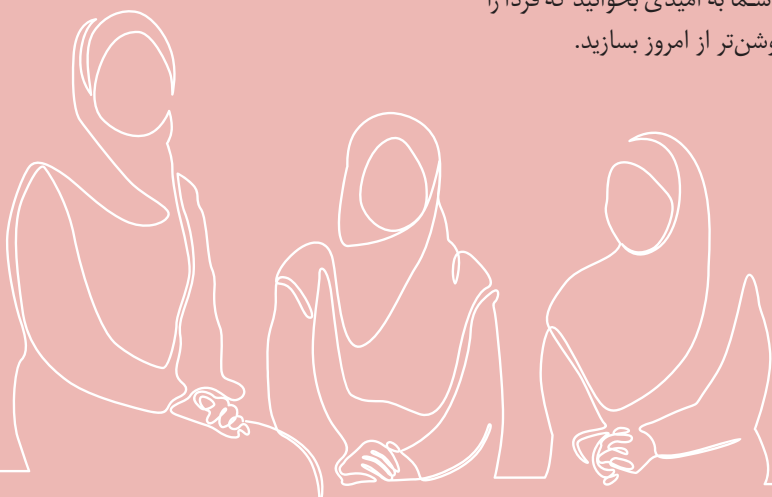
ما همچنین به سراغ چهره‌هایی رفته‌ایم که برخلاف جریان‌های معمول، مسیر متفاوتی را گشودند؛ مانند بانو امین، نخستین زن مجتهد ایرانی که نه تنها در فقه و فلسفه، که در تربیت و مدیریت دختران نیز خوش درخشید. الگویی که نشان می‌دهد زن می‌تواند هم‌زمان مادر، معلم، مدیر و رهبر فکری باشد، بی‌آنکه از هویت زنانه‌اش فاصله بگیرد.

این صفحات، تنها برای خواننده‌شدن نیستند؛ تربی می‌کوشد تریبونی برای اندیشه‌ورزی در باب زن و تربیت باشد؛ نه با هیاهو، بلکه با صداقت. برای به خاطر آوردن اینکه زنان، تنها مخاطب تربیت نیستند، خود «مربی» تربیت‌اند. و آن‌گاه که زن تربیت می‌شود، جامعه ریشه می‌دواند.

ما به امید آن نوشتیم که واژه‌ها بیدار کنند،

و شما به امیدی بخوانید که فردا را

روشن‌تر از امروز بسازید.



تربیت

فصلنامه «تربی»، شماره دوم | بهار ۱۴۰۴
دانشگاه امام صادق (ع) | پردیس خاوران



صاحب امتیاز: انجمن علمی

علوم تربیتی دانشگاه امام صادق (ع)
پردیس خاوران

مدیر مسئول و سردبیر: زهرا باقری

ویراستار: الهه رضوانیان

هیئت تحریریه: زهرا باقری، زهرا رحیمی،

الهام عسگریور، زهرا عصار، زهرا میرزاده،

شمس‌الهدی کریمی و فاطمه کهن‌پور

گرافیک و صفحه‌آرا: نفیسه رستمی





از ماست که بر ماست

نگاهی انتقادی به بحران هویت دختران

نویسنده: زهرا رحیمی، کد ۴۰۱ علوم تربیتی

گرداب سردرگمی، از آسیا تا آمریکا! از اماواتسون تا ریحانا، از ماری کوری تا آنجلا مارکل، از ابوعلی سینا تا فروید، از ابوریحان بیرونی تا مارکس، از تیلور سویفت تا بیانسه، این گرداب پیچ در پیچ و در هم تنیده تمامی ندارد. تا روزها و ماه‌ها و سال‌ها می‌شود نوشت و گفت از این سردرگمی و بلاتکلیفی که پناهگاهی نمانده است که نوجوان ایرانی برای یافتن خود، به آن پناه نبرده باشد.

نظام آموزشی، پای چوبه‌ی دار!

از زمانی که به دنیا آمده‌ایم، هر جا سخن از آموزش و تربیت است، انگشت‌ها مدارس و دانشگاه‌ها را نشانه رفته‌اند. در حالی که وزارت آموزش و پرورش، مسئول تربیت است اما تنها مسئول نیست! از چه زمانی خانواده‌ها از نظام آموزشی جامعه ایران حذف شدند و امر تربیت را به مدارس واگذار کردند؟ در قصور تربیتی، اگر یک انگشت، مدارس و معلمان و وزارت را نشانه گرفته است، سه انگشت دیگر خانواده‌ها را نشانه گرفته است. متن پیش رو، در صدد آن است که درک کنیم: "مشکلات تربیتی نباید اصلاح شوند بلکه باید با هم اصلاح کنیم!" مراد و منظور از نظام آموزشی، از خانواده تا وزارت و از پدر و مادر تا وزیر را شامل می‌شود.

خانواده، سیل اصلی!

از آن جایی که اهمیت ۷ سال اول زندگی کودکان بارها و بارها بیان شده است، سر منشأ احساس کم ارزشی و بی‌ارزشی یک دختر از کجاست؟ توقع بی‌جایی است که آنچه در خانواده باید محقق می‌شده است در مدرسه محقق شود. مدرسه و معلم و نظام آموزشی بیرونی هر آن قدر هم که تلاش کنند، تاثیرگذاری خانواده را نخواهند داشت چرا که بیش‌تر زمان تربیتی کودک با خانواده (به عنوان نظام آموزشی درونی)، عجین شده و جدایی‌ناپذیر است کما اینکه یکی از عوامل مهم "دیسفوری جنسیتی"، عوامل محیطی علی‌الخصوص خانواده است. بی‌شک تفاوت است میان دختران پرورش‌یافته در خانواده‌هایی که پدران مادران را ارج می‌نهند و برای مادر، ارزش مضاعفی قائلند، اهمیت و جایگاه مادر، بزرگ واقع شده است با خانواده‌هایی که خالی از هرگونه احترام و ارزشمندی برای مادران.

کتاب‌های درسی، مصداق بارز کچل موفر فرفری!

چرا آنچه که دختر و پسر فرا می‌گیرند، باید مشترک باشد؟

کتاب اقتصاد و ادبیات و تاریخ و ... لزوماً باید برای دختران و پسران مشترک باشد؟ بماند که از محتوای اختیاری کتابی مثل کار و فناوری نیز، مقنعه دوختن و گلدوزی‌اش عاید پسران شد و کارهای برقی و صنعتی‌اش، عاید دختران! با نگاهی گذرا به کتاب‌های تاریخی درسی، در هیچ جایی از کتاب‌ها نامی از یوتاب، آرتمیس، پرین به چشم نمی‌خورد!

کتاب‌های اقتصاد را که ورق می‌زنیم نامی از آرتادخت می‌بینیم؟ در میان نام‌آوران عرصه نجوم، نامی از مریم اسطرلابی، بی‌بی منجمه نیشابوری به گوش نرسیده است... در کجای کتاب‌های ادبیات دختران ما سیمین بهبهان، طاهره صفارزاده و پروین دولت‌آبادی، نام آشنا هستند؟ آن قدر که ویکتور هوگو برای دختران ما نام آشناست آیا سیمین بهبهانی با شعر "نبسته‌ام به کس دل....." آشنا هست؟ دختران ایرانی در کدام بخش از زندگی تحصیلی خود با اندیشه‌های ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، قطب الدین شیرازی، زکریای رازی و شیخ بهایی آشنا می‌شوند تا آن گاه که در تقابل با فرهنگ غرب قرار می‌گیرند، احساس خود باختگی نکنند؟

تحولی بنیادین؟!

اسناد کلان تربیتی را که می‌بینیم، رد و نشانی از تمییز جنسیتی در آن دیده نمی‌شود! از سند تحول

تربیت دختران، سرمایه گذاری برای فردا

شمس الهدی کرمی، دکتری علوم قرآن حدیث

حضور پررنگ زنان در اجتماع و پذیرش نقش‌های همسری و مادری، اهمیت تربیت صحیح دختران را دوچندان می‌کند. با توجه به تفاوت‌های زن و مرد، مؤلفه‌های تربیت دختران چیست؟ زنان و دختران، علاوه بر نقش فعال در اجتماع، تربیت‌کننده نسل‌های آینده در سطوح مختلف جامعه‌اند. آماده‌سازی دختران برای مدیریت خانواده (از جنبه‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و رفتاری) از مؤلفه‌های مهم تربیت است. دختران شعیب، الگوی بارزی از حمایت اقتصادی خانواده در کهنسالی پدر و مشاوره‌های توانمندانه به ایشان (پیامبری بزرگ) هستند. وَلَمَّا وَرَدَ مَاءٌ مَدَّيْنِ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةٌ مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّى يُصْدِرَ الرِّعَاءُ وَأَلَبَسْنَاهُ سَیْئَ كِبِيرٍ (قصص/ ۲۳) فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا... (قصص/ ۲۵)

مدیریت جامع حضرت فاطمه زهرا (ع) و تربیت دختری چون زینب کبری (ع) که با لطافت و قدرت، قیام عاشوراء را مدیریت و به حماسه تبدیل کرد، الگوی بی‌نظیری است. هر چند زن و مرد هر دو باید مدیران خوبی باشند، اما جنس مدیریت آن‌ها متفاوت است. زنان در نقش‌های مادری، همسری، خواهری و دختری، حمایت می‌کنند، اما زنانه، با احساس و مهر همراه. حمایتی بی‌قید و شرط از خانواده که اساس پایداری زندگی است. مادر موسی (ع) با فرستادن دخترش، اورابه‌دامان خودبا‌گزارداند. إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ... (طه/ ۴۰) وَحَزَنًا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعُ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ لَكُمْ وَهُمْ لَهُ نَاصِحُونَ (قصص/ ۱۲) تربیت دختران، فرایندی پیچیده و چندوجهیست که نیازمند نگاهی جامع است. نقش زنان در خانواده و جامعه، رسالتی است که سعادت فردی و اجتماعی را تضمین می‌کند. حمایت از دختران، سرمایه‌گذاری ارزشمندی برای آینده است که ثمره آن، جامعه‌ای آباد و سعادتمند خواهد بود.



از تحصیل تا اجتهاد؛ روایتی از بانو امین

نویسندگان: زهرا عصار، کد ۴۰۲ علوم تربیتی و
فاطمه کهن‌پور، ارشد مدیریت آموزشی

تصور کنید سادات بانویی ایرانی بخواهد اندیشه‌های بکر و زاینده‌اش را از تراش دین، در جهان منتشر کند. (در سال‌های قبل از انقلاب! در فضایی که در آن، مردهانیز کمتر سراغ علم می‌رفتند، چه رسد به زنان!) اما او آن قدر خواند و فکر کرد و فهمید و نشر داد که در مجاهده پیش‌تان شد. او اولین بانوی مجتهد ایرانی بود. از تفسیر و فقه بگیرد تا عرفان و فلسفه و... در همه این‌ها حرف و نظر داشت. در نزدیکی‌های بهار چهل سالگی، عطر شکوفه‌ها و میوه‌های علمش مشام بانوان اصفهانی و ایرانی را مست کرد. کتاب نوشت، هم مدرسه تأسیس کرد و هم مکتب علمیه. این همه، جلوه‌اش از آن رواست که قبلاً بانوان سرزمینش، باید بین علم و حجاب، یکی را انتخاب می‌کردند، ولی او بستری درست کرد برای جمع هر دوی آن‌ها. روش اداره‌اش، کاملاً مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و توجه به اقتضائات دختران بود. در عصر و زمانه‌ای که اندیشه‌های الحادی بی‌داد می‌کرد، اندیشه زلال دینی را کنار اندیشه نقاد به متریانش مشق می‌کرد. با کتاب «روش خوشبختی»، برای بانوان کشورش، رسم خوشبختی حقیقی را ترسیم کرد. او کتاب‌های ارزنده دیگری نوشت. الحق که تخلص بانوی ایرانی، به قلم و دغدغه‌هایش می‌آمد. قبل از چهل سالگی چطور؟ مسئولیت‌هایی داشت مهم‌تر از هر مهمی. در دیوار خانه‌اش شهادت می‌دهند که او در همسری و مادری و کسب علم کم نگذاشت! می‌گفت بهترین راه تربیت نفس و خودسازی برای زنان، همین انجام امور سخت خانه است. در همین خانه و با تمام مشغله‌ها گفته‌اند هفت یا هشت بار طعم مادری را هم تجربه کرد، هر چند تنها یک فرزند برایش ماند و بقیه آسمانی شدند.

شخصیت حقیقی او، شخصیتی جهادگر و سرسخت است و اهل قیام. قیام در برابر خود، در محیط اشراف‌پرور خانواده، قیام علیه وضعیت علم‌آموزی زنان جامعه. برای اطلاع بیشتر از تربیت و رهبری بانو امین به پایان نامه «شایستگی‌های رهبر آموزشی در تربیت اجتماعی دختران؛ مطالعه موردی: بانو امین» مراجعه نمایید.

بنیادین که هدف تربیت را دستیابی به حیات طیبه تعیین کرده است و سردرگمی متخصصان تربیتی که آیا حیات طیبه دختران و پسران به یک شکل است؟! راه رسیدن به حیات طیبه برای هر دو جنس به یک شکل باید ترسیم شود؟!!

آیا ناظر به جنسیت متربی، حیات طیبه او نباید متفاوت از جنس دیگر تعریف و تبیین شود؟! آیا اهداف و برنامه تربیتی هر جنس نباید مجزا باشد؟! آیا ساحت زیبایی‌شناختی دختر و پسر در یک حیطه و در یک سوق و سو باید رشد کند؟!!

ابعاد زیبایی‌شناختی دختر و پسر ناظر به ویژگی‌های فیزیولوژیکی و روانی یکسان است؟!!

زخم بزرگ، مرهم بزرگ می‌خواهد!

در نهایت امر، تلنگری به خویش و همه فعالان فرهنگی و غیرفهرنگی! تلنگری به همه ایران! چه بلایی بر سر فرهنگ ما آمده است که دختری حاضر است زن باشد اما مادر نباشد؟ چه به روز خود آورده‌ایم که پرورش نسل یک ملت در چشم‌مان بی‌ارزش شد؟ شاید برای این است که نتوانستیم بفهمیم زن خانه‌دار، اصلاً خانه‌دار نیست!

بلکه خانواده‌دار است و خانواده داری کار هر کسی نیست!

فرهنگ خود را چگونه تعریف و تبیین کرده‌ایم که امروز، دختران به تربیت نسل خویش به عنوان برترین و مهم‌ترین شغل خویش نمی‌نگرند؟!!

فرهنگ اسلامی ایرانی خود را چگونه تفسیر کرده‌ایم در حالی که اسلام در مبنای تعاملات، دختران را در ارجحیت قرار می‌دهد اما مبنای تعامل ما با دختران و زنان در فعالیت‌های تربیتی و اجتماعی، آن گونه که اسلام تعریف کرده است، نیست!

در ارزشمندی دختر در نگاه اسلام، همین بس که حضرت ابراهیم (علیه السلام) علی‌رغم داشتن حضرات اسحاق و اسماعیل (علیهم السلام) به درگاه خدا برای

داشتن فرزندی دختر دعا می‌کند.

ارزشمندی دختر، زن و مادر در اسلام همچون روز روشن است حال نوبت آن است آینه‌ای در دست گرفت و به خود نگرست...

/ جان گر به لب ما رسد،

از غیر ننالیم با کس نسگالیم

/ از خویش بنالیم که

جان سخن اینجاست

از ماست که بر ماست

/ اسلام گر امروز چنین

زار و ضعیف است،

/ زین قوم شریفست

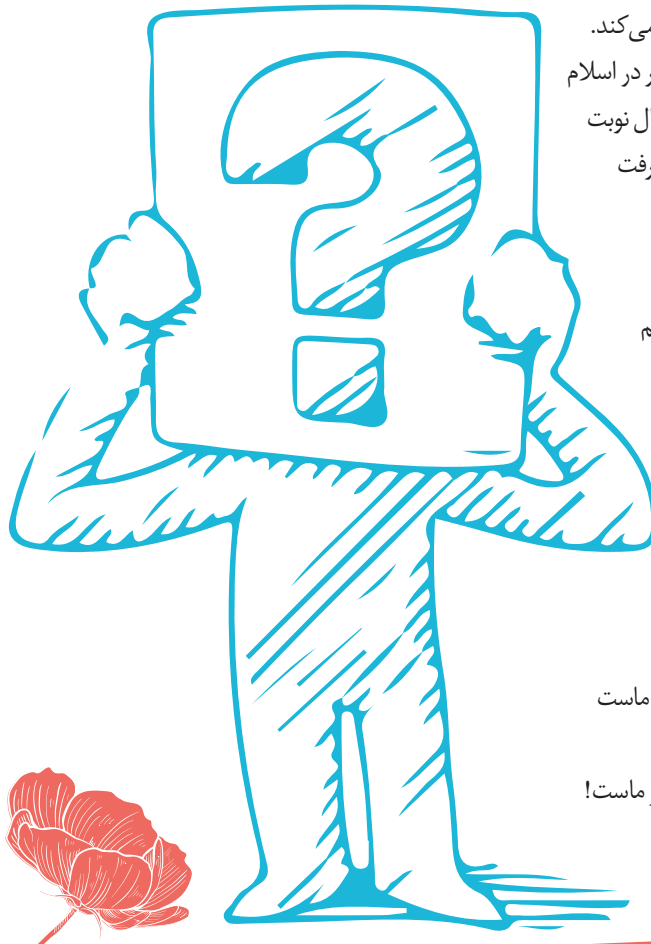
نه جرم ز عیسی، نه تعدی

ز کلیساست، از ماست که بر ماست

/ ما بحث نرانیم در آن نکته

که پیداست، از ماست که بر ماست!

(ملک الشعرای بهار)





مصباح مدرسه؛

گفت‌وگویی صمیمانه با استادی در دوسنر مدرسه و دانشگاه

نویسنده: الهام عسگریور، کد ۴۰۰ علوم تربیتی

در این شماره از نشریه، فرصتی مغتنم دست داد تا به گفت‌وگو با یکی از چهره‌های برجسته‌ی عرصه‌ی تعلیم و تربیت، خانم دکتر مصباح، بنشینیم. استادی که نامش با دانشگاه گره خورده و تجربه‌اش، چراغ راه مدیریت در مدرسه است. با وجود اشتیاق فراوان برای دیداری حضوری، تقدیر بر آن بود که این مصاحبه از راه دور و از طریق خطوط تلفن شکل گیرد. اما مگر می‌شود از دریای دانش و تجربه‌ی چنین استادی بی‌بهره ماند؟ ایشان که در میان دانشجویان و دانش‌آموزان، به نیک‌نامی، دلسوزی و مهرورزی شهره هستند. این شما و این، حاصل گفت‌وگوی ما با ایشان:

□ **به نظر سرکار عالی، مدیریت آموزشی برای بانوان در جامعه کنونی با چه چالش‌هایی روبه‌رو است؟**

به طور کلی، چالش‌های موجود در حوزه‌ی مدیریت را می‌توان در سه دسته کلی تقسیم نمود: نخست، چالش‌های مربوط به سیاست‌گذاری کلان، که دربرگیرنده نوع تصمیم‌گیری‌ها و بخشنامه‌های صادره است. دوم، چالش‌های مرتبط با حوزه‌ی اجرا، که در آن کمبودها و کاستی‌ها به وفور مشاهده می‌شود. سوم، چالش‌های مربوط به مخاطبان، که شامل ذی‌نفعان اول (دانش‌آموزان) و ذی‌نفعان ثانوی (اولیاء) می‌گردد. در این زمینه، وجود تفاوت‌های چشمگیر فرهنگی، اقتصادی و تربیتی میان خانواده‌های مختلف، چالش‌های ویژه‌ای را برای مدیر در مدرسه ایجاد می‌نماید.

□ **بایسته‌ها و لوازم یک مدیریت آموزشی مؤثر کدام‌اند؟**

تاب‌آوری، پیش‌بینی و آینده‌نگری و انعطاف‌پذیری در مدیریت

□ **چگونه موفقیت برنامه‌ی آموزشی خود را ارزیابی می‌کنید؟**

ارزیابی ما مبتنی بر روش کیفی است و نه صرفاً کمی. در این راستا، از ابعاد گوناگون به مسائل می‌پردازیم.

□ **نحوه‌ی نظارت شما بر عملکرد تیم‌تان چگونه است؟**

مدل نظارت ما بر اساس سند تحول بنیادین استوار است. به این معنا که من درست در کنار مجموعه، به مشاهده و بررسی نوع عملکرد می‌پردازم و از تمامی افراد بازخورد می‌گیرم.

□ **برای ارتقای مهارت‌های خود چه اقداماتی انجام می‌دهید؟**

۱. ارزیابی نقطه به نقطه‌ی فعالیت‌ها از وجوه مختلف، از جمله دیدگاه خود به عنوان مدیر، ارزیابی معلم، دیدگاه شاگرد، اولیاء، و ارزیابی مشاور مدرسه. ۲. ارتقای انگیزش و نشاط دانش‌آموزان و رضایت معلمان. ۳. ارتقای حس تعلق به مدرسه

□ **دشوارترین چالشی که با آن مواجه هستید، کدام است؟**

بخشنامه‌های بی‌شمار و دائماً در حال تغییر که برنامه‌ریزی‌هایمان را دچار اختلال نموده و موجب سرگردانی ما می‌شود.

□ **رویکرد شما در استخدام فرد مناسب برای فعالیت در مدرسه چیست؟**

۱. فرد متقاضی، خود برای فعالیت در مدرسه اقدام کرده باشد و دارای انگیزه‌ی شخصی قوی باشد. ۲. متعهد به کار بوده و مسئولیت‌پذیر باشد. ۳. دارای روابط عمومی خوب و مهارت اجتماعی بالا باشد. ۴. سابقه کاری و تجربه‌ی کافی در حوزه تعلیم و تربیت داشته باشد.

و این بود چکیده‌ای از اندیشه‌های خانم دکتر مصباح، که بی‌شک، چراغ راهی خواهد بود برای فعالان عرصه تعلیم و تربیت. امید است این گفت‌وگو، گامی کوچک در راستای ارتقای کیفیت نظام آموزشی کشورمان باشد. ضمن سپاس فراوان از استاد محترم که وقت گرانبه‌ای خود را در اختیار نشریه قرار دادند، برای ایشان سلامتی و توفیق روزافزون آرزو مندیم.



الگوی سوم زنان؛ در جستجوی هویتی نو در عصر حاضر

نویسنده: زهرا میرزاده، کد ۴۰۰ علوم تربیتی

در طول تاریخ، تصویر زن همواره دستخوش تعاریف متضادی بوده است. «زن» در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی؛ و در تعریف غالباً غربی، به مثابه‌ی موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شد. شیر زنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، «زن نه شرقی، نه غربی» است. زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان، گشود...»

کلید واژه الگوی سوم زن که در عبارت بالا دیده می‌شود؛ برای نخستین بار در سال ۱۳۹۱ توسط رهبر معظم انقلاب مطرح شد و دریچه‌های جدیدی را نسبت به واژه زن و نقش آن در جامعه گشود و اهمیت و ضرورت پرداختن به این امر را یادآور گردید. بذر الگوی سوم زن مسلمان ایرانی برای آن که به‌طور اکمل به ثمر نشیند به ملزوماتی احتیاج دارد که بدون آن‌ها نمی‌توان از این بذر انتظار بهره کامل را داشت. الگوی سوم زنان زمانی معنا خواهد یافت که تعریفی از الگوی سوم مردان نیز ارائه شود. خانواده‌ها به سمت الگوی سوم حرکت کنند. تعلیم و تربیت، اقتصاد، هنر و موارد جزئی‌تری چون شهرسازی، پوشاک و از این قبیل که یک بانو برای زیست خود به آن‌ها نیاز دارد؛ برچسبی به نام الگوی سوم را برای خود داشته باشند و دچار تحول گردند در چنین حالتی است که ما شاهد یک الگوی جدید و نوظهور برای بانوان جامعه خود هستیم. با وجود تلاش‌های صورت گرفته، تحقق کامل «الگوی سوم زن» همچنان نیازمند عزمی راسخ و نگاهی جامع است. برای ثمربخشی این الگو، تحول در نگرش‌ها و ساختارهای اجتماعی، همراه با تبیین جایگاه مردان در این الگو، ضروری است. تنها با ایجاد یک اکوسیستم متوازن و پویا می‌توان شاهد شکوفایی کامل ظرفیت‌های زنان و نقش آفرینی مؤثر آن‌ها در مسیر تعالی جامعه بود.

